

بنام خدا

سی و هشتمین نشست پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین الملل از سلسله نشستهای نظام سیاسی اسلام با عنوان موانع معرفتی وحدت اسلامی در جهان اسلام روز سه شنبه ۹۴/۱۰/۲۲ با طرح بحث از طرف یکی از اساتید در پژوهشکده برگزار شد.

بحث در مورد مبانی معرفتی شکل گیری ذهنیت وحدت گرا یا ذهنیت تفرقه گرا می باشد. ما اگر معرفت را به دو گروه معرفت کلی نگر در مقابل معرفت جزئی نگر یا معرفت حسی در مقابل معرفت فلسفی تقسیم کنیم. معرفت حسی از میل به وحدت ابا دارد و به سمت وحدت سوق داده نمی شود در حالی که معرفت کلی نگر زمینه ای برای وحدت در آن وجود دارد. اگر ذهنیتی فاقد معرفت به طور کلی باشد و معرفت فلسفی را واجد نباشد معرفتی که توانایی پرداختن به مسائل کلی را نداشته باشد در مفاهیم جزئی سیر می کند و همین امر باعث می شود که چنین معرفت جزء نگری در ساحت تکثر باقی بماند. معرفت فلسفی توانایی این را دارد که به حالت کلی برسد در تفکر ایرانی معرفت از نوع فلسفی است. معرفت عربی یا به طور خاص معرفتی که در عربستان وجود دارد معرفت حس گرا است و فاقد معرفت فلسفی است. نتیجه اینکه به همین دلیل است که دعوت به وحدت در ایران شکل میگیرد در مقابل عربستان میل به وحدت را ندارد و میخواهد در تکثر باقی بماند. بعد از انقلاب شاهد بودیم که در مقابل دعوت به وحدت اسلام از ناحیه ایران، این دعوت نه تنها از طرف عربستان استقبال نمی شود بلکه نوعی تقابل هم با آن وجود دارد. در ایران وقتی که یک حرکت دینی به راه می افتد دعوت به وحدت یکی از پیام های اصلی است دلیل این است که معرفت ایرانی یک معرفت فلسفی است که کل گراست برخلاف عربستان که معرفت حسی دارد. وقتی که معرفت فلسفی وجود نداشته باشد برای وحدت قاعداً باید به سمت ضرورت های اجتماعی رفت.

یکی دیگر از اساتید به تبیین سه گروه وحدت گرای تقریبی اشاره کردند: گروهی که نگاه سیاسی دارند و معتقدند بخاطر دشمنان واحدی که داریم باید برای مبارزه با آنها متحد باشیم. نگاه دوم این که شیعه و سنی روی اشتراکات تاکید کنند نه افتراقات. آیت ... بروجردی می فرماید: بحث خلافت باعث اختلاف است باید روی اشتراکات صحبت کنیم. نگاه سوم اینکه مبانی را باید اصلاح کرد شیعه برخی از اعتقاداتش خرافی و غالیانه است میتوان آنها را تغییر داد اینها تاریخی است و در طول تاریخ شکل گرفته است و جزء اصول نیستند. اهل سنت هم نگاهش به شیعه در طول تاریخ شکل گرفته است. محمد عبده معتقد است که در مبانی هر دو گروه باید تغییر داده شود. این سه دیدگاه هر کدام الزاماتی دارد. کسانی که نگاه سیاسی دارند مشخص است که

با دید وحدت نگاه نمی کنند. نگاه سیاسی داشتن به مسئله وحدت مشکلاتی دارد. جمهوری اسلامی نگاهی سیاسی دارد کنفرانسهایی که تشکیل شده تاثیر آنچنانی نداشته است. حضرت امام(ره) هم نگاه سیاسی دارد و نگاه سوم را قبول ندارند. دیدگاه دوم طرفدارانی دارد و به نظر میآید می تواند مقداری راهگشا باشد. لازمه اش این است که مثلاً روی بحث های خاص شیعی تاکید نکنند. باید دید کدام دیدگاه میتواند موثرتر باشد و از نظر مفهومی و معرفتی کدام یک از اینها امکان عملی شدن دارد و با پذیرفتن هر کدام الزاماتی وجود دارد که باید آنها را پذیرفت.

یکی از اساتید سوالی را مطرح میکند با این مضمون که چه لزومی دارد که اندیشه وحدت گرایانه داشته باشیم؟ نظریه هایی که در حوزه وحدت است بیشتر نظریه همدلی و همگرایی است و لازمه آن این است که دولتها باید در حوزه وحدت قدم بردارند. دو عنصر ائتلاف و اتحاد داریم ائتلاف در زمان جنگ شکل میگیرد و اتحاد در زمان صلح. تابحال بیشتر ائتلاف وجود داشته در مقابل دشمن مشترک. در حال حاضر مشکل جدی وجود دارد و آن وحدت داخلی کشورهای اسلامی مستقل است.